

کوتاه از دیپلماسی

درخواست گوترش از تهران وواشنگتن

دیبرکل سازمان ملل از ایران و آمریکا خواست تا از بن‌بست فعلی بر سر توافق هسته‌ای خارج شوند؛ اما اعلام کرد که انتظار نتیجه سریع ندارد.
به گزارش ایسنا به نقل از Decan her-ald، آنتونیو گوترش، دیبرکل سازمان ملل روز پنجشنبه در کنفرانسی خبری در پاسخ به احتمال میانجیگری میان ایران و آمریکا اعلام کرد: «کارهای زیادی باید انجام شود»؛ اما «انتظار راه‌حل سریع ندارم».
گوترش ادامه داد: من بناور دارم که همگی یعنی تمام کسانی که وارد برجام شده‌اند و دیگر طرفین باید با یکدیگر برای کاهش تردیدها به منظور مواجهه با دشواری‌های و موانع همکاری کنند. او بدون اشاره به احتمال میانجیگری گفت که این مسئله دارد «در راستای رسیدن به راه‌حلی حرکت می‌کند که در آن ما توافقی خواهیم داشت که برای صلح و ثبات در خلیج (فارس) و جهان ضروری است».
دیبرکل سازمان ملل با ابراز تأسف نسبت به «زیرسؤال‌رفتن توافق هسته‌ای» بیان کرد: برجام یک پیروزی بزرگ دیپلماتیک و عنصری ضروری برای صلح و ثبات در خلیج (فارس) بود. او ادامه داد: واضح است که دشواری‌ها و موانعی وجود دارد. مسائل پیچیده‌تر شده‌اند؛ چراکه آمریکا توافق را ترک و اقدامات بیشتری اتخاذ کرد. دراین‌زمان ایران نیز گام‌هایی برای توسعه توانایی‌های هسته‌ای خود برداشته است.

رابرت مالی نماینده آمریکا در امور ایران می‌شود

● براساس اعلام برخی منابع خبری، دولت جدید آمریکا به‌زودی نماینده جدید دولت این کشور در امور ایران را معرفی خواهد کرد.
به گزارش ایسنا، چند منبع خبری بامداد جمعه (به وقت تهران) گزارش داده‌اند «جو بایدن» قصد دارد «رابرت مالی» را به‌عنوان نماینده دولت آمریکا در امور ایران معرفی کند. براساس گزارش العالم، برخی منابع به پایگاه Diplomatic گفته‌اند دولت جو بایدن پنجشنبه یا جمعه (به وقت محلی) انتصاب رابرت مالی به این سمت را اعلام خواهد کرد. خبرگزاری روتیزر هم به نقل از دو منبع مطلع نوشته دولت بایدن قصد دارد مالی را برای این سمت معرفی کند. یکی از این منابع گفته انتصاب رابرت مالی پنجشنبه یا جمعه (به وقت واشنگتن) اعلا خواهد شد.
رابرت مالی که در دوران ریاست جمهوری «باراک اوباما»، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، هماهنگ‌کننده شورای امنیت ملی در امور مربوط به غرب آسیا و آفریقای جنوبی بود، درحال حاضر ریاست «گروه بین‌المللی بحران» را برعهده دارد.

ملاقات بورل و لاوروف درباره برجام

● مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پنجم فوریه در مسکو با وزیر خارجه روسیه دیدار می‌کند و رایزنی درباره برجام از محورهای اصلی این دیدار خواهد بود.
به گزارش ایسنا، «ماریا زاخارووا»، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، اعلام کرد که «جوسپ بورل» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، پنجم فوریه در مسکو با «سرگئی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه، دیدار می‌کند و رایزنی درباره برجام از محورهای اصلی این دیدار خواهد بود. او افزود که شماری از مسائل مهم بین‌المللی از جمله برجام، چشم‌انداز روابط روسیه و اتحادیه اروپا، وضعیت در غرب بالکان، تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا و وضعیت در قریب‌دغ در این دیدار مطرح می‌شود.

روح‌اله نغعی؛ بسامد پیام‌های زمان‌محور از ایران به ایالات متحده درحال افزایش است. آخر هفته گذشته، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای هم خطاب این هشدارها قرار گرفت تا تأکید این روی محدودیت زمانی، شفاف‌تر شود. کاظم غریب‌آبادی، نماینده دائم ایران در سازمان‌های بین‌المللی در وین، به‌صراحت از احتمال کاهش سطح همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای خبر داد. هم‌زمان، مجید تخت‌روانچی، نماینده ایران در سازمان ملل متحد نیز درجه هشدار به ساکنان جدید کاخ سفید را بالاتر هم برد و فراتر از محدودیت فرصت، از نزدیکی پایان آن صحبت کرد. این موضوع‌گیری‌ها در ادامه نوشته‌ها و پیام‌های پیشین دیگر مقامات ایران، به‌خصوص محمدجواد ظریف انجام می‌شود که او نیز در مقاله‌ای در فارن افرز، به‌صراحت نوشته بود فرصت تیم بایدن برای استفاده از دیپلماسی در مقابل ایران محدود است. سؤالی که درعین‌حال مطرح است این است که جنس این پیام‌ها و هشدارها چیست؟ آیا از جنس تهدید است، یا انداز یا بازی با امتیازها؟ اساساً مسئولان مربوطه دربارهٔ یک هشدار می‌دهند؟

احتمال پایان همکاری کنونی با آژانس در پایان «فرصت»

به تعبیری می‌توان ملموس‌ترین هشدار تهران در هفته‌های اخیر را در صحبت‌های آخر هفته گذشته از سوی غریب‌آبادی یافت. نماینده دائم ایران در سازمان‌های بین‌المللی در وین مشخصاً یکی از اتفاقاتی را ذکر کرد که در صورت گذشتن «فرصتی» که تهران از آن نام می‌برد، ممکن است رخ بدهد. طبق گزارش ایسنا، غریب‌آبادی ابراز امیدواری کرد که فرصت‌ها از دست نروند؛ چراکه همکاری فوق‌العاده کنونی ایران با آژانس ممکن است به همکاری عادی بازگردد. او در توییتی گفت: «همکاری کاملاً بی‌سابقه و چشمگیر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از طریق برداشتن تحریم‌ها فراهم کرده است؛ امیدواریم فرصت‌ها از دست نروند؛ چراکه همکاری فوق‌العاده کنونی به همکاری عادی بازمی‌گردد». این موضوع‌گیری صراحتاً اشاره به یکی از بازمانده‌های آخر تصمیمات ایران در سلیاه مذاکرات هسته‌ای، یعنی اجازه پیگیری روند‌های اطمینان‌ساز از سوی آژانس در قبال برنامه هسته‌ای ایران است که در صورت لغو، دقیقاً یکی از مسائل مهم موردنظر طرف‌های دیگر امضاننده برجام را هدف می‌گیرد. ایران در پایان روند گام‌به‌گام کاهش تعهدات هسته‌ای تأکید کرد دسترسی‌های آژانس برای نظارت را به همان شکل باقی خواهد گذاشت. اما این از معدود رفتارهای باقی‌مانده ایران در سایه توافقات پیشین است.

دیپلماسی

از احتمال کاهش سطح همکاری با آژانس تا هشدار نزدیکی پایان مهلت بازگشت

زنگ خطر «فرصت» از تهران



اختلاف با ایران نیست. در عمل، لغو تحریم‌ها و اقداماتی در دولت ترامپ است وامکان تعامل واقعی را از بین برده است. در فضایی است که طرف‌های مختلف به تعهدات قانونی و حقوقی خود بازگشته باشند، ممکن است درباره آنچه هرکدام از دیگری انتظار داشته باشد، مذاکره کرد و به نتیجه رسید یا نرسید. اما پیش از اینکه به آن نقطه برسیم، باید حداقل‌های واقعیت‌های صحنه گفت‌وگو مشخص باشند.

بنیان یک توافق بین‌المللی

از یک نگاه می‌شود گفت اقدام آمریکا برای مذاکره بر سر «شرایط بازگشت به توافقی که از نگاه حقوقی، ترک آن از سوی آمریکا غیرقانونی بوده است، معنا و مفهوم توافقی و مذاکره را در معرض تخریب قرار می‌دهد. تصمیم یک‌جانبه برای تغییر شرایط یک توافق با استفاده از ابزار ترک توافق و زیرپاگذاشتن بندهای آن، عملاً به این معنا خواهد بود که توافقی در کار نیست، به‌خصوص در حالتی که طرف ناراضی، نه کشوری کم‌قدرت و تحت فشار قدرت‌های بزرگ‌تر خارجی که یکی از طرفین عادی توافقی چندجانبه بوده است. در چنان فضایی وقتی اتکاپذیری توافق به این شکل تهدید شود، رفتارهای دیگر اعضا نیز قابل‌پیش‌بینی نخواهد بود و پیش‌بینی‌پذیرکردن روند اتفاقات، انگیزه اصلی امضای چنین توافق‌هایی است.

ازبازگشت تا بازگشت

مسئله دیگری که در این میان حائز توجه است، تفاوت بین معنای عبارت «بازگشت» است، وقتی درباره آمریکا به کار می‌رود، با زمانی که درباره ایران به کار می‌رود. آمریکا از تمام توافق خارج شده است و حالا باید به برجام بازگردد. اما برخلاف آنچه برخی مقامات آمریکایی تلویحاً اشاره کرده‌اند، موقعیت ایران مشابه موقعیت آمریکا نیست. ایران نه با اقدامی یک‌جانبه و به دلخواه که طبق قواعد موجود در توافق اقدام کرده است و نه توافقی که بخش‌هایی از آنچه را بنا بوده در قبال دریافت امتیازات مورد توافق، انجام دهد. نباید گذاشته است، زمانی که این امتیازات و تعهدات از سوی طرف مقابل لغو شده بود. در نتیجه، درست است که گزینه پیش‌رو به‌عنوان «بازگشت در مقابل بازگشت» تصویر می‌شود اما در بازی «چه کسی اول بازی‌کرده»، ایران به‌عنوان واکنش‌دهنده، نمی‌تواند شروع‌کننده باشد.

ظریف در ترکیه:

در هر شرایطی روابط خوب با ترکیه ادامه می‌یابد



ملاقات با اردوغان

به گزارش العالم، محمدجواد ظریف پس از دیدار با مولود چاووش اوغلو، همتای ترکیه‌ای، با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور نیز دیدار و گفت‌وگو کرد. این دیدار در کاخ وحدالدین با حضور چاووش اوغلو و پشت درهای بسته انجام شد.

می‌دهیم و گفت‌وگوها اکنون جای جنگ در این کشور را گرفته است. ظریف گفت: ما با صراحت تحریم‌های آمریکا علیه ترکیه را محکوم کردیم و برای آنها هیچ ارزشی قائل نیستیم. باعث تأسف است که دولت آمریکا معتاد به تحریم شده است. این سیاست آمریکا به ضرر تمام دنیا و خود آمریکا تمام خواهد شد.

وزیر خارجه کشورمان گفت: این اقدام در واقع نمونه بارز قانون‌شکنی است. اقداماتی که ایران کرد، بر اساس توافق برای جبران اقدامات طرف آمریکایی بود و به معنای تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست. ما از نظر اعتقادی و استراتژیک، سلاح هسته‌ای را قبول نداریم و آن را باعث امنیت نمی‌دانیم. معتقدیم هرچه سریع‌تر باید سلاح‌های هسته‌ای از سوی همه دارندگان این سلاح‌ها ناپود شوند. ظریف گفت: این را تأکید می‌کنم که آمریکا از برجام خارج نشده و تعهدات خود را نقض کرده و اکنون هم وظیفه آمریکااست که به برجام بازگردد و تعهدات خود را اجرا کند. به محض اینکه آمریکا تعهداتش را اجرا بکند و ما نقض اجرای این تعهدات را ببینیم، ما هم تعهدات خود را به‌طور کامل اجرا می‌کنیم و این‌س در بالاترین سطح جمهوری اسلامی از سوی رهبری اعلام شده است.

وی در بخش دیگری از این نشست تأکید کرد: جمهوری اسلامی ترکیه در شرایط دشواری با یکدیگر روابط بسیار خوبی داشته و در هر

ادامه از صفحه اول

توپخانه اصولگرایان، تکنوکرات‌های خشمگین و اصلاح‌طلبان مغموم

دولت نهم هم با ایدئولوژی بازگشت به آرمان‌های انقلاب، حافظ منافع طبقه‌ای بود که در دولت سازندگی واپس رانده شده و دستشان از منافع و منابع اقتصادی کوتاه شده بود. در صورتی که این طبقه بیش از هر طبقه دیگر خود را مستحق بهره‌برداری از این منابع و منافع می‌دید. دولت روحانی حافظ منافع طبقه‌ای از نخبگان اقتصادی و سیاسی است که بیش از هر طبقه دیگر به دولت به لحاظ سببی و نسبی نزدیک‌اند. ازاین‌روست که رابطه تکنکنکی بین دولت روحانی و مردم شکل نگرفت؛ چراکه شاکله دولت را افرادی خاص از نخبگان اقتصادی و سیاسی نزدیک به روحانی شکل داده‌اند. البته طبقه آریستوکراسی در دولت روحانی، ناشی از تحریم‌های اقتصادی و اوضاع نامساعد سیاسی و اجتماعی است و این اوضاع دست‌مایه خوبی شده است برای حمله به این دولت.

اگرچه در میان جناح‌های سیاسی بیشترین انتقاد از اصولگرایان به دولت روحانی دارند و گاه از خط قرمزهای اخلاقی نیز عبور می‌کنند، اما با دولت روحانی مشکل بنیانی ندارند. دست بر قضا در جناح‌های سیاسی اصلاح‌طلب، طیف کارگزاران سازندگی و مشارکت، بیشترین تعارض منافع را با دولت روحانی دارند. دولت روحانی آگاهانه از توسعه سیاسی با پس کشید و به توسعه اقتصادی روی آورد. اما شرایط داخلی و جهانی برای توسعه اقتصادی آن هم اقتصادی با بن‌مایه‌های سرمایه‌داری مهیا نبود. البته بسیاری از بزرگان اصلاح‌طلب نیز در آغاز دولت یازدهم و در حیات برجام به این روند باور داشتند و آن را ترویج و ترویژه می‌کردند.

توسعه اقتصاد برای اصلاح‌طلبان در آن شرایط تاکتیکی بود؛ چراکه از توسعه سیاسی و مخالفان آن بیمناک بودند، اما توسعه اقتصادی برای روحانی استراتژیک بود. آن هم به شیوه آریستوکراسی. با این دیدگاه بود که اصلاح‌طلبان کنار گذاشته شدند و تکنوکرات‌ها محدود. سیاست دولت روحانی با جناح‌های سیاسی این بود: «همه باشند و هیچ‌کس نباشد». در این میان تکنوکرات‌ها خشمگین شدند و اصلاح‌طلبان مغموم. تکنوکرات‌ها خود را به سیاست اعتدالی و اقتصادی دولت روحانی نزدیک‌تر می‌دیدند و اصلاح‌طلبان از بد خاندن یا نخبگان گذاشته بودند. با گذشت زمان تعارض منافع اصلاح‌طلب خاصه کارگزاران و سازندگی با دولت روحانی بیشتر شد و این تعارض منافع انتقادات جدی‌تری را برانگیخت. تکنوکرات‌ها که چندان دلبسته توسعه سیاسی و دموکراسی نبودند و به معنای واقعی تکنوکراسی برایشان در اولویت بود، تکنوکراسی را مقدم بر دموکراسی دانسته و بحث‌های تئوریک بسیاری درباره دولت‌های ضعیف و قوی به راه انداختند. در بسیاری از مصاحبه‌ها و چهره‌های نزدیک به کارگزاران سازندگی یا دانشگاهیان، این ایده قوت گرفت که اگر دولت اقتدار نداشته باشد، دموکراسی در جامعه شکل نخواهد گرفت.

معمولاً در این بحث‌ها به نهادهای رسمی و به تجربه تاریخی شکل‌گیری این ایده اشاره نمی‌شد و به گونه‌ای فراتاریخی از دولت قوی نام برده می‌شد که با شکل‌گیری آن، دموکراسی خودبه‌خود از راه خواهد رسید. اگر بخواهیم این ایده را در بستر تاریخی خود نقد و تحلیل کنیم، می‌توان گفت دولت هاشمی‌فسنجانی یکی از مقتدرترین دولت‌های بعد از انقلاب است که به دموکراسی منجر نشد و طبقه تکنوکرات حامی دولت با التزام به توسعه، از حمایت دولت نیز برخوردار بود.

به‌جرت می‌توان گفت در هیچ دولتی چنین انسجامی میان دولت و طبقه‌ای که از آن حمایت می‌کرد، دیده نشده است. اینک هرچه به انتخابات ۱۴۰۰ نزدیک می‌شویم، انتقادات به دولت روحانی بیشتر و ضعف‌های آن درشت‌تر از حد معمول بازنمایی می‌شود.

دیگر به‌ندرت صدایی در حمایت از این دولت شنیدنی است. اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در یک موضع اتفاق نظر دارند؛ لحظه‌شماری برای دستیابی به دولت سیزدهم. در این میان یک نامزدهای منتخب وجود دارد. آنان چه خواهند کرد که دولت‌های قبل قادر به انجام آن نبوده‌اند. با پیش‌شرط‌هایی که وجود دارد، نتایج به‌دست‌آمده چندان دور از ذهن و انتظار نخواهد بود. مارکس «در تبیین سرمایه و سرمایه‌داری بارها به پیش‌شرط‌هایی اشاره می‌کند که شالوده نتایج منحصی را بنیان می‌گذارد و در سیر تحول خود به آن نتایج می‌رسد. به عبارت دیگر سیر تحول از منطقی پیروی می‌کند که درونی آن پدیده است.»

در این مناسبات اجتماعی و اقتصادی که بر مبنای سرمایه و سرمایه‌داری شکل گرفته، دولت‌ها چه تغییر جدی‌ای ایجاد خواهند کرد؟ با این پیش‌فرض که «ایدئولوژی، نظامی از باورهاست که به منافع طبقه‌ای خاص خدمت می‌کند.»

^[1] در این مناسبات اجتماعی و اقتصادی که بر مبنای سرمایه و سرمایه‌داری شکل گرفته، دولت‌ها چه تغییر جدی‌ای ایجاد خواهند کرد؟ با این پیش‌فرض که «ایدئولوژی، نظامی از باورهاست که به منافع طبقه‌ای خاص خدمت می‌کند.»